

خطر طبقاتی شدن سینما را تهدید می‌کند

رقابت نفس‌گیر بلیت و تورم



یکی از بحث‌های همیشه مطرح در میان مدیران و اهالی فرهنگ موضوع قیمت بلیت سینما است، درباره این موضوع دو دیدگاه وجود دارد؛ اولین نگاه که مورد پسند سینماداران، دفاتر پخش و تهیه‌کنندگان است، مساله را متناسب با شرایط واقعی سالن‌داری سینما تحلیل می‌کند و معتقد است نسبت به افزایش قیمت‌ها در هر سال، بلیت سینما هم باید گران شود تا سالن‌های سینمایی بتوانند خرج خود را درآورند، اما نگاه

دوم یا تکیه بر واقعیت دیگری همچون مهندسی اکران و وضعیت اقتصادی جامعه ایرانی، معتقد است ادامه این روند سینما رفتن را هم از مسبد فرهنگی ایرانی‌ها حذف خواهد کرد. علی‌رغم اینکه سالن‌های سینمایی، فروش‌های هزارمیلیاردی را تجربه می‌کنند اما سیر نزولی تعداد تماشاگر سینما طی این سال‌ها نشانه واضحی است از اینکه به صورت تدریجی آیین سینما رفتن بین خانوار ایرانی فراموش شده است، در گزارش پیش‌رو، با نگاهی به تغییر درصد تغییر نرخ تورم، درصد افزایش قیمت بلیت سینما در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۲ را بررسی کردیم.

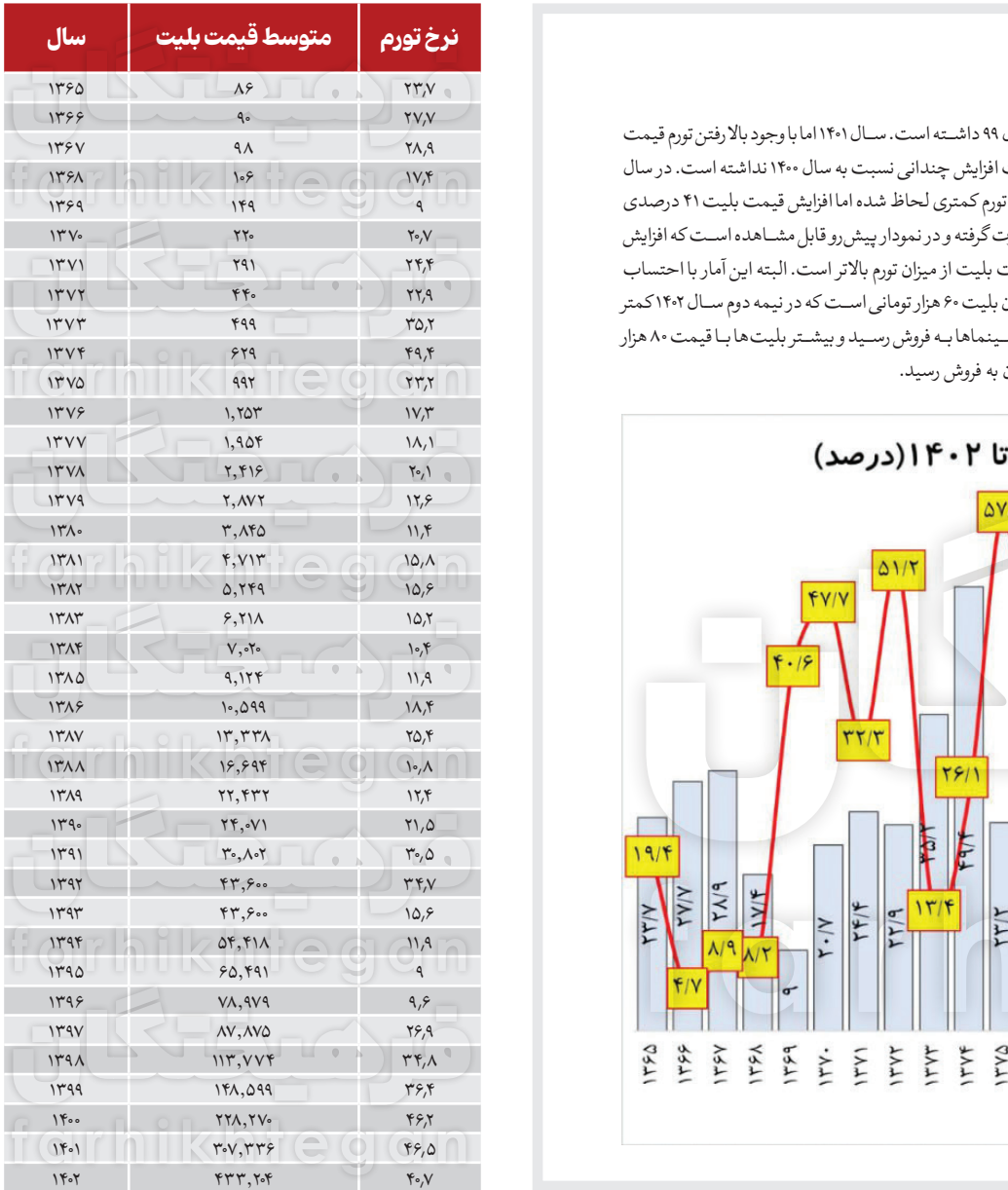


آوار هزینه‌های مسکن بر سر فرهنگ

البته در کم شدن سهم تفریح و فرهنگ از سبد خانوار ایرانی، باید به این توجه داشت که کیفیت زندگی و روند تحولات مربوط به معیشت خانوارهای ایرانی در طول سالان گذشته همواره یک مسیر مشخص را طی کرده و آن فاصله بین هزینه و درآمد است. این را می‌توانیم با مراجعه به شرایط زندگی می‌کنیم که عمده هزینه‌های ماهانه در نظر بگیرد در شرایطی زندگی می‌کنیم که عمده هزینه‌های ماهانه در نظر بگیرد در صورت شناساوت با سقف ۶۰ هزار تومان در اختیار مدیر سینما خواهد بود.

در سال ۱۴۰۲ معادل حدود ۱۹۳ میلیون تومان است و سهم هزینه فرهنگی، تفریحات و سرگرمی حدود ۳ میلیون تومان. حالا بپایید غیر از روزهای دوشنبه و سه‌شنبه که نیم‌بهاست یا مبلغ ۸۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. البته با فرض که علاوه بر دوشنبه و سه‌شنبه در روزهای پنجشنبه و سه‌شنبه هم سینما پرزند. فقط هزینه رفتن به سالن با قیمت ۶۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. جدا از اینکه اتفاقی که امروز در گیشه سینما افتد با صحبت‌های مدیرکل اداره نظارت بر نمایش سازمان سینمایی تناقض دارد، نکته حائز اهمیت این است که با توجه به آمارهای به‌دست‌آمده از مرکز آمار ایران و در نظر گرفتن میانگین هزینه ماهانه خانوار شهری در سه سال اخیر، سهم

سال	کل هزینه‌های خانواده سه‌نفره (تومان)	هزینه فرهنگی (تومان)	سهم
۱۴۰۰	۹۶٬۵۰۱٬۷۰۰	۱٬۴۳۱٬۶۰۰	۱٫۵۶
۱۴۰۱	۱۳۷٬۱۱۶٬۰۰۰	۲٬۲۰۵٬۶۰۰	۱٫۶۱
۱۴۰۲ (پرواز)	۱۹۳٬۳۷۵٬۸۶۰	۳٬۱۱۳٬۳۵۱	۱٫۶۱



افزایش قیمت بلیت نسبت به تورم در ۳۷ سال اخیر

از سال ۶۵ تا سال ۶۸ با توجه به بالا رفتن تورم، قیمت بلیت افزایش پیدا نکرد و سیاست‌گذاری مناسبی اتفاق افتاده است. در سال ۶۹ با توجه به کم شدن میزان تورم، قیمت بلیت اما افزایش نسبتاً چشمگیری داشته است. در دهه ۷۰ میزان تورم و افزایش قیمت بلیت، قابل قبول است و با یکدیگر تناسب دارد. با بالا رفتن میزان تورم قیمت بلیت افزایش کمتر داشته و با کم شدن میزان تورم، افزایش قیمت بلیت بیشتر شده است. دهه ۸۰ به نسبت سال‌های گذشته افزایش قیمت بلیت بیشتر بوده و در سال ۸۷ میزان بالا رفتن

تورم با افزایش قیمت بلیت تقریباً برابر است.

در دهه ۹۰ بیشترین افزایش قیمت‌ها زمانی صورت گرفته که تورم کمتری لحاظ شده، به‌طوری‌که افزایش قیمت بلیت در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۰، صفر است. در سال‌های پایانی این دهه با توجه به تورم بالا، قیمت بلیت افزایش چندانی نداشته است.

اما روند افزایش قیمت در سه سال اخیر متفاوت از سال‌های گذشته بود. در سال ۱۴۰۰ افزایش قیمت بلیت از میزان تورم هم بالاتر و به‌ویژه با یکسره‌ا بلیت سینما افزایش ۵۲ درصدی نسبت به

بلیت سینما بی‌سروصداگران شد



این روزها فیلم، سال‌گريه به‌اكران رسیده، اخبار مختلفی از رکورد شکنی‌های این‌لر به گوش می‌رسد؛ رکوردهایی مثل بیشترین فروش در روز اول اكران و بیشترین فروش در ۳ روز اول اكران که به افتتاحیه مشهور است. اگر پیگیر اخبار سینمایی باشید، احتمالاً متوجه شدید که همین رکوردها یک‌ماه پیش فیلم تمساح خونی، هم شکسته بود و برخی از این رکوردها را نیز دهه دوم ۱۴۰۰ آثار مثل «پاریس سالچی»، «هابیلی» و «و اهل» جایزه‌جا کرده بودند. اما جرای این رکوردها چیست؟ همان‌طور که می‌شد حدس زد، نه فیلم‌های سینمای ایران طی همین ۶-۷ ماه اخیر، تماشاگر پرستند و محبوب‌تر شده‌اند و نه سینمای ایران ناگهان با جدیدی از تماشاگران روبرو شده، بلکه بازم بلیت سینما گران شده است، ولی این بار بدون سروصدا.

فقط ۴ ماه قبل

اوایل دی‌ماه ۱۴۰۱ بود که بلیت سینما ناگهان گران شد. این اقدام از دو جهت که سابقه به‌شمار می‌رفت؛ نخست آنکه پس از سال‌ها که افزایش قیمت بلیت سینما محدود به ابتدای اكران روزی شده بود، این تصمیم در میانه سال گرفته شد و دوم اینکه به فاصله ۸ ماه قبل از آن (اسفند ۱۴۰۱) یک بار دیگر بلیت سینما گران شده بود یعنی این بار فاصله دو مرتبه افزایش بهای بلیت، نه یک سال، بلکه تنها ۸ ماه بود! طبق مصوبه‌ای که در آن زمان از طریق روح‌الله مهرایی مدیرکل اداره نظارت بر نمایش سازمان سینمایی اعلام شد، این نکته ذکر شد که همین‌ان با گرانی بهای بلیت، روز دوشنبه نیز (همراه با سه‌شنبه) به‌عنوان روز عرضه بلیت نیم‌بها تعیین شد تا ضرب خیر این افزایش قیمت، کمتر گشتی شود. سهرابی در همان اظهار نظر گفت: «قیمت بلیت سینما در ساعات پیک ساعت‌های طلایی روزهای پنجشنبه و جمعه در سینماهای مدرن به صورت شناساوت با سقف ۸۰ هزار تومان و در سینماهای ممتاز با سقف ۶۰ هزار تومان در اختیار مدیر سینما خواهد بود». مطابق این تبصره مهم که در گفت‌وگوی چند روز بعد سخنگوی انجمن سینماداران مجدداً تکرار شد، بلیت سینما تنها از ساعت حدود ۲ عصر به بعد و فقط در روزهای پنجشنبه و جمعه به قیمت جدید ۸۰ هزار تومانی به فروش می‌رسید.

جزئیات گرانی جدید بلیت سینما

خبر عجیب آنکه با گذشت تنها دو ماه از این رخداد، یک‌بار دیگر بلیت سینما گران‌شده است و این بار بی‌سروصدا! این اتفاق افتاده بدون اطلاع رسمی، رسمی، آن‌یک‌سره مهم فروش بلیت ۸۰ هزار تومانی در ساعات طلایی پرداخته شده و در سالن‌های سینما در روز هفت‌شنبه (چهارشنبه یکشنبه) در همه ساعات روز می‌توانند بلیت را به قیمت ۸۰ هزار تومان به فروش برسانند. نتیجه این گرانی، آن است که میانگین قیمت بلیت (که از تقسیم گیشه کل سینما به تعداد کل تماشاگران به دست می‌آید) حدود ۲۷ درصد افزایش نشان می‌دهد و از حدود ۴۴ هزار و ۲۰۰ تومان در هفته‌های پایانی ۱۳۹۷ به حدود ۵۷ هزار تومان (در این روزها رسید است) یعنی با احتساب روزهای نیم‌بها سینماهای کم‌کیفیت‌تر، هر تماشاگر به‌طور میانگین ۲۷ درصد پول بیشتری بابت بلیت سینما پرداخت می‌کند. این درحالی است که همواره صدوات شورای صنفی نمایش و شورای راهبردی اكران و عیان در کمیته تخصصی تعیین این‌نامه عرضه در سینمای ایران، به اطلاع عموم می‌رسید و هرگونه تغییر در بهای بلیت سینما نیز از این قاعده مستثنی نبود. این اتفاق نا در است که نه سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و نه صنف سینمایی حاضر در شور، را خود، از موظف ندیده‌اند تا اكران شدن بلیت را به اطلاع علاقه‌مندان سینما برسانند.

تجربیات جالبی از بلیت نیم‌بها

همه اینها درحالی است که تجربه عرضه بلیت نیم‌بها در برخی ایام، نشان می‌دهد می‌توان به جای گران کردن بلیت، با ارزان‌سازی آن در فروش بیشتر دست یافت؛ چراکه بلیت ارزان‌تر به افزایش شمار تماشاگران می‌انجامد و این امر، خود سود بیشتری را برای اهالی سینما رقم می‌زند. باینر ۱۴۰۱ که در اثر ناآرامی‌های خیابان، سینماها با کاهش شمار مخاطبان مواجه شدند، سازمان سینمایی تصمیم گرفت برای دو هفته ۲۰ مهر تا ۲ آبان) قیمت بلیت کل سینماهای سراسر کشور را نصف کند تا مخاطبان را به سالن‌ها بکشاند. در ۳ روز اول آن دو هفته که معمولاً تماشاگر سینما کمتر است، بلیت نیم‌بها به قدری مخاطب را بیشتر کرد که از زمانی بلیت جبران شد و رقم نهایی گیشه، به اندازه قبل از بلیت نیم‌بها، رسید. در دیگر روزهای آن دو هفته نیز اگرچه افزایش شمار تماشاگران، به قدری نبود که ارزان بودن بلیت را کاملاً جبران کند؛ ولی گیشه را به قبل رساند اما رقم نهایی گیشه به نزدیکی زمان قبل از نیم‌بها شدن رسید. این امر این روزها هم به شکلی دیگر دیده می‌شود. به‌طور مثال سه‌شنبه هفته گذشته ۹۹ فورید ماه حدود ۱۸۱ هزار تماشاگر در کل سینماهای ایران به تماشا می‌رفتند؛ اما در پنجشنبه ۱۳۹۷ ۶ میلیارد و ۳۷۷ میلیون تومانی برای این روز رقم زد. پنجشنبه ۳ فورید ماه اما حدود ۱۰۱ هزار تماشاچی به سینماهای کل کشور رفتند تا گیشه‌ای ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومانی بسازند. معنای اختلاف بسیار کم این ارقام، آن است که برای مخاطبان آنقدر رقم بلیت سینما اهمیت دارد که سه‌شنبه‌ها دو برابر بیشتر از روزهای شنبه، پنجشنبه یا تعطیلات آخر هفته (که وقت آزادتری دارند)، به سینما می‌روند تا جایی که رقم گیشه تقریباً سراسری است! می‌دانیم منطق گرانی بلیت سینما، بسیار ساده است؛ اینکه با گران کردن بلیت، درآمد سینما افزایش یابد، حال وقتی سینمای ایران به بلیت نیم‌بها، دو برابر مخاطب داشته‌شده و هم‌ا میزان گیشه دست یابد، چه نیازی به گران کردن بلیت وجود دارد؟ گفته‌مانند با افزایش شمار مخاطبان، سالن‌های سینما سود بیشتری می‌برد؛ چراکه در کنار فروش بلیت سینما، اقلام خوراکی و نیز میز و فرستود و درآمد کلی سینما داران (که بسیاری از آنها تهیه‌کننده و پخش‌کننده نیز هستند)، بیشتر خواهد شد.

موضوع سازمان سینمایی چیست؟

سال گذشته و در شرایطی که بلیت سینما به فاصله‌ی کمی قبل از جشنواره فیلم فجر گران شد، تصمیم‌گیری سازمان سینمایی برای تعیین قیمت ۶۰ هزار تومانی بلیت جشنواره، نشان داد سازمان سینمایی چندان بالا افزایش بهای بلیت موافق نیست و همان‌طور که از اقوال دیگر برمی‌آید، احتمالاً سینماگرانند که بر گران شدن بلیت پافشاری می‌کنند. در اینباره، دو نکته را باید در نظر گرفت. نخست اینکه در تهران به نسبت شهرستان‌ها و حتی برخی مراکز استان، درآمد سرنانه بالاتر است و بهای بلیت سینما در درآمد سرنانه، کمتر به چشم می‌آید. از همین روست که درخواست سینماگران برای افزایش قیمت بلیت، بیش از قبل به شکل «تهرانی‌بودن سینمای ایران» دامن می‌زند، نکته دوم آنکه اهالی سینما خصوصاً اهالی تصمیم‌گیر سینماهای بزرگ برای بهای بلیت سینما تصمیم‌گیری می‌کنند (تهیه‌کنندگان، کارگردانان و سینماداران)، جواز اعضای یا درآمد بالاتر سینما به‌شمار می‌روند و از نظر سطح درآمدی، اختلاف چشمگیری با عموم جامعه دارند. از همین روست که وقتی در محافل سینمایی درباره بلیت سینما سخن می‌گویند، بهای بلیت را با دلال و بوری می‌متنجد، درحالی‌که به این نکته توجه ندارند که درآمد مخاطبان باوقو سینما، ما به یورو بلکه با ریال است!

چه بر سر ایده چهره‌های ماندگار آمد؟

پروژه تعطیلی ارتباط نخبگان با حکمرانی



زمانی که داشتند «چهره‌های ماندگار» را برنامه‌ریزی می‌کردند، فکرشان این بود برنامه‌ای طراحی کنند تا بتوانند در قالب رویدادی مهم ملی چهره‌های ایران را در حوزه‌های مختلف تکریم کنند. برنامه‌ای که توانست بود نظر همه متخصصان در حوزه‌های مختلف را به سوی خود جلب کند اما ۱۲ سال است که دیگر از برگزاری این مراسم ملی خبری نیست. هشت دوره مراسم سینما در سال‌های ۶۰-۷ ماه اخیر، تماشاگر پرستند و محبوب‌تر شده‌اند و نه سینمای ایران ناگهان با جدیدی از تماشاگران روبرو شده، بلکه بازم بلیت سینما گران شده است، ولی این بار بدون سروصدا.

البته اگر بخواهیم به پروژه چهره‌های ماندگار نگاه کنیم، این کار ملی از حدود یک دهه قبل برگزاری نمایش و برنامه‌هایی که توسط صداوسیما و به کمک محمود اسعدی ساخته می‌شد، آغاز به کار کرده یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ بیش از ۱۵۰ برنامه مختلف برای معرفی مفاخر علمی و فرهنگی ساخته شد و به این ترتیب مطالبه برگزاری چنین نمایشی در میان افشار تحصیل‌کرده و فرهنگ‌دوستان ایران نهان شده و پس از آن بود که نمایش‌های چهره‌های ماندگار را ابتدا به صورت سالانه و از ۱۳۹۵ به بعد، به صورت هر دو سال یک‌بار برگزار کردند. اما در سال ۱۳۹۸ و پس از برگزاری آخرین نمایش و درحالی‌که به گفته اسعدی در مصاحبه‌ای با ایگنا، هنوز ۱۰۰ رشته مختلف و مفاخر مربوط به آن، مورد تقدیر قرار نگرفته بودند، ناگهان همه چیز با یکبار یافت و دیگر این نمایش برگزار نشد؛ با این حال تقدیرهای کوچک، پرکارنده و محدود صورت می‌گرفت. اسعدی در ابتدای دهه ۱۳۹۰ مجله‌ای را برای معرفی چهره‌های ماندگار با همین عنوان منتشر کرد؛ باز هم برنامه‌های تلویزیونی ساخته شد، موزه مفاخر را افتتاح کردند و نشست‌های علمی و فرهنگی در دستوارک ستاد چهره‌های ماندگار قرار گرفت، اما هیچ‌کدام نتوانست جای آن نمایش‌ها را بگیرد. عزت‌الله

ضربانی زمانی که وزیر میراث فرهنگی و گردشگری شد، با کمک دارایی که از قبلا در صداوسیما مسئولیت داشت، مراسم چهره‌های ماندگار در حوزه میراث فرهنگی را یک‌لید زد تا به حال دو مراسم را برگزار کرده‌اند. اینکه چرا این مراسم دیگر از سمت صداوسیما برگزار نشد و هیچ کس آن را پیگیری نکرد، همچنان در رساله‌ای ملی بود. او در گفت‌وگویی که با برنامه «فاق» داشت در مورد این نمایش صحبت کرد. اجرا و سردبیری این برنامه را اکبر نبوی برعهده دارد و پورحسین در پاسخ مجری وقتی از جرایم تعطیل شدن این مراسم پرسید، گفته است: «من واقعا متوجه نشدم منظور تعطیل شد. این چیزی که شما از من پرسیدید، حتما وقتی من هم از مهندس سرغرامی پرسیدم، ایشان هم یک نمی‌دانم به من خواهد گفت. اینجا که دیگر بحث گره فشار و اینها نیست، ما برای این برنامه به سراغ ایران‌شناسان ایرانی و خارجی رفتیم. از روسیه و چین و آلمان هم‌نمایش داشتیم و به تعبیر پورحسین سعیی این برنامه، به عنوان نوبل پرایز جمهوری اسلامی مطرح رسانه است. یعنی نهادهای تأسیس شده و جایزه بین‌المللی پیدا کرده، بیرون از جامعه ایران هم انعکاس داشته و بعد به راحتی تعطیل شود».

او در ادامه این گفت‌وگو ضمن ابراز تأسف و تعجب از تعطیلی این برنامه، می‌گوید: «حتما وقتی وارد این تعطیلی، چیزهایی می‌شنیدم اما فکر نمی‌کردم باعث تعطیلی شود. ملاقات‌ها مخالفت داشتند. اما بعد دیدم چیزی غیر از این بوده است. وقتی آقای سرافراز آمدند و رئیس سازمان گفتند، ایشان گفتند چرا این کار نشده و مصر بودند این امر انجام گیرد. از سال ۸۹ که این برنامه تعطیل شد تا زمانی که آقای سرافراز در ۹۳ آمدند ۲ سال وقفه در برگزاری بود. حتی به شوخی گاهی به ما می‌گفتند که دانشمندان تمام شده‌اند؟ همه بزرگان هم وقتی ما می‌دیدند می‌گفتند چرا برنامه تعطیل شده است. یکی از کسانی که همیشه پیگیری می‌کرد دکتر لاریجانی بود. می‌گفتند تمام شده؟ گفتیم با این شرایطی که در ایران می‌بینیم این موضوع تامل نمی‌شود».

پورحسین در همین گفت‌وگو در مورد شیوه‌های جایگزین برای برگزاری این برنامه گفته است: «خواستم این نمایش را جداگانه از صداوسیما برگزار کنم، اما این نشان و برند متعلق به سازمان صداوسیما بود. آقای علی‌عسکری دغدغه‌ای برای این برنامه نداشتند. حتی اسم مراسم ما هم نمی‌دانستند. در دوران ایشان من از سازمان بیرون آمدم و در دوران فعلی هم شواهد نشان می‌دهد دغدغه گشتن علمی در رسانه وجود ندارد. وارد سال سیزدهم شدیم که این برنامه برگزار نشده است، حتماً اگر دغدغه‌ای در رسانه ملی وجود داشته باشد این برند مهم را دوباره به جریان می‌اندازند تا چهره‌های ماندگار به خاطره‌ای برای فرهنگ این مز و بوم تبدیل نشود.



درخواست خانواده آرمان عبدالعالی برای سانسور «بیبین»

به نظر می‌رسد شکایت خانواده آرمان عبدالعالی از فیلم «بیبین» آغاز شده و در اولین قدم وکیل این خانواده در تماس با سازندگان فیلم خواستار حذف چند سکانس فیلم برای شکایت نکردن از عوامل شد. است. پیش از این، خانواده غراله شکوایتی به این فیلم مطرح می‌کردند. سیدضی‌الحمدی، تهیه‌کننده فیلم بیبین در مصاحبه‌ای این خبر را تأیید کرد و گفت: «عوامل اشتباه کرده‌ام... من سخنی توانستم ویزای یک کشور را بگیرم و به ساحل موضوعی که باعث می‌شود این گمان تلقی‌تد گرفت» کاوش سانس‌های فیلم بی‌پند در معرفی پدیس‌های سینمایی و جایگزینی باربری آثار است. نیست. اینجا به بیماری C-PTSD مبتلا شدم و تحت درمانم... به یاد دارم در چندین درونیات از اکران کنار گذاشته‌اند. داستان فیلم به تغییراتی به یک پرونده معروف جنایی دهه ۴۰ها برمی‌گردد؛ پرونده قتل غراله شکوره به دست عبدالعالی که چندین بار تا مرحله اجرای حکم رفت و برگشت و یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های سال اخیر ایران بود که حاشیه‌هایی هم در فضای مجازی داشت. فیلم با رعایت قرائن ادبی پرونده، سراغ نخبه‌های می‌رود و ما را با ابعاد مختلف یک حکم آشنا می‌کند.

